

زبان فارسی و گویش های ایرانی

سال دوم، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۴

نقدی بر مقاله «تأملی در نسخه دیوان خاقانی کتابخانه مجلس» از سعید مهدوی فر

دکتر سیف‌الدین آب‌برین^۱ ✉

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱۱

چکیده

نسخه‌های مختلفی از دیوان خاقانی در دست است. این اثر، تاکنون چندین بار تصحیح شده و تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، از کارهای شناخته شده است. نسخه اساس سجادی، نسخه لندن است. این نسخه، همان‌طور که سجادی اشاره کرده است، قدیمی‌ترین نسخه موجود از دیوان خاقانی است. سعید مهدوی فر در مقاله‌ای با عنوان «تأملی در نسخه دیوان خاقانی کتابخانه مجلس» به بازتصحیح برخی ابیات این تصحیح پرداخته و ضبط‌های نسخه مجلس را ارجح دانسته است. روش مهدوی فر در تصحیح دیوان خاقانی در مقاله، علمی و منتقدانه است. این روش تصحیح، مبتنی بر چند معیار شناخته شده همچون اصالت تصویری، اصالت بدیعی و اصل قرینگی است. با وجود روش دقیق و علمی، مؤلف مقاله در انطباق این معیارها با نسخه‌ها دچار برخی لغزش‌ها شده است. در این مقاله، سعی بر آن است تا اصالت نسخه لندن و ارجحیت ضبط‌های آن در تصحیح سجادی اثبات و نظر مهدوی فر در جعلی بودن و اصالت نداشتن این نسخه رد گردد.

واژگان کلیدی: دیوان خاقانی، نسخه لندن، نسخه مجلس، مهدوی فر

✉ doctorabbarin@yahoo.com

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

۱- مقدمه

این نوشتار نقدی بر مقاله «تأملی در نسخه دیوان خاقانی کتابخانه مجلس» از سعید مهدوی‌فر در مجله پیام بهارستان است. مؤلف در این مقاله تلاش کرده با تکیه بر چند معیار نویافته در شعر خاقانی؛ اصالت تصویری، اصالت بدیعی و لفظی و اصل قرینگی، برخی ابیات دیوان خاقانی تصحیح ضیاءالدین سجادی براساس نسخه بریتیش میوزیوم (نسخه ل) را دوباره تصحیح کند و در این مورد، تکیه و تأکید بر ضبط‌های نسخه مجلس (مج) داشته‌است. وی تلاش کرده همزمان با تأکید بر سه اصل مذکور در انتخاب ضبط‌ها، اصالت نسخه مجلس را گوشزد کند و این نسخه را اصلی‌ترین نسخه دیوان خاقانی بداند. وی در این زمینه نوشته: «هم از این روی می‌توان گفت معتبرترین نسخه دیوان خاقانی، همین نسخه مجلس (مج) است» (مهدوی‌فر، ۱۳۹۱: ۲۹۲). در ادامه نیز بدون ذکر منبع متذکر شده که بعضی در اصالت نسخه لندن (ل) تردید داشته‌اند و «امروز سخن از جعلی بودن این نسخه نیز در میان است» (همان: ۲۹۲).

در مقاله پیش رو سعی شده‌است با تکیه بر معیارهای نویافته مهدوی‌فر هم اصالت نسخه لندن و هم صحت و اعتبار ضبط‌ها و تصحیحات سجادی اثبات گردد. برخلاف نظر مؤلف ضبط‌های سجادی با تأکید بر نسخه ل، هم معنای درستی دارند و هم با تکیه بر سه اصل مؤلف، ضبط‌هایی دقیق و ارجح‌اند و نسخه ل بهترین و معتبرترین نسخه دیوان خاقانی است. معیارهای نویافته مهدوی‌فر معیارهایی اصیل در تصحیح دیوان خاقانی‌اند و با ویژگی‌های زبانی و سبکی هنر خاقانی در هماهنگی تام و تمام‌اند و انتخاب این معیارها ریشه در بررسی عالمانه و هوشمندانه مؤلف در دیوان خاقانی دارد، لیکن این معیارها بیش از آنکه در نسخه مجلس قابل انطباق باشد، در نسخه لندن مشهود است و می‌توان گفت مهدوی‌فر با اینکه در انتخاب معیارها برای تصحیح اصیل و علمی دقیق بوده ولی در انطباق معیارها با نسخه‌های دیوان خاقانی دچار خطا شده‌است. این پژوهش علاوه بر بررسی و نقد تصحیحات مقاله مذکور، شاهد‌های دیگری از دیوان خاقانی آورده تا روشن کند معیارهای مقاله با نسخه مجلس انطباق ندارد و نسخه لندن تناسب بیشتری با این معیارها دارند.

پیشینه تحقیق

دربارۀ تصحیح سجادی، چند مقاله نوشته شده‌است: «نگاهی به دیوان خاقانی تصحیح سیدضیاءالدین سجادی براساس معیارهای نویافته» و «اصالت تصویری مهم‌ترین معیار در تصحیح دیوان خاقانی» از سعید مهدوی‌فر؛ «بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه

خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)» از هادی درزی رامندی و ناصر چکنژادیان در مورد تصحیح قصاید عربی خاقانی و نقصان‌های آن؛ مطالب ترکی در وبگاه «فصل فاصله» در اشاره به تصحیحات و ضبط‌های نسخ دیوان خاقانی، نیز «یک ممدوح ناشناخته خاقانی و نکته‌ای مهم درباره نسخه لندن» درباره نسخه لندن؛ «ضرورت توجه به تصحیف در تصحیح اشعار عربی خاقانی» از یوسف اصغری بايقوت و «بازخوانی بیتی از خاقانی (تأملی در مفهوم «دوگروهی» و «گروه» در شعر خاقانی» از علی محمد گیتی‌فروز؛ «تصحیح دو تصحیف در دیوان خاقانی» از سید احمد پارسا؛ «تصحیح و تحلیل چند تصحیف در شعر خاقانی» از عبدالرضا سیف و مجید منصور؛ «دیده آهوی دشت» از علیرضا حاجیان‌نژاد در تصحیح و تحلیل بیتی از خاقانی. این مقاله، از یک سو، معیارهای نویافته مهدوی فر و علمی بودن این معیارها را در تصحیح دیوان خاقانی تأیید و از سویی، با نقد شیوه کاربست این معیارها، که دقیق و سنجیده نیست اصالت نسخه لندن را اثبات کرده و در اصالت نسخه مجلس که مهدوی فر آن را معتبرترین نسخه دیوان خاقانی دانسته، با ذکر شواهد و مطالعه علمی و انتقادی تردید کرده‌است.

● چيست عاشق را جز آن کاتش دهد پروانه‌وار اولش قرب و میانه سوختن و آخر فنا

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱)

نسخه مج «پروانه را» آورده و مهدوی فر این ضبط را برگزیده‌است و دلایل خود را سامان یافتن بافت دستوری و غنای تصویری دانسته، حال آنکه در ضبط «پروانه را» معنایی از بیت استخراج نمی‌شود؛ عاشق پروانه را آتش دهد؟ ضبط «پروانه‌وار»، ضبط نسخه ل ارجح است. عاشق نیز همچون پروانه خود را نابود می‌کند و مراحل نابود کردن، همچون پروانه، نزدیک شدن به آتش و سوختن و فنا شدن است. «پروانه‌وار» ناقض اصالت تصویری بیت نیست. در بیت، مفعول؛ «وجود خود را» حذف، و سبب نابسامانی بافت دستوری شده‌است.

در بیت زیر نیز مؤلف ضبط نسخه مج؛ «تیسند» را ارجح دانسته‌است:

● مغزشان در سر بیاشوبم که پیلند از صفت پوستشان از سر برون آرم که پیسند از لقا

(همان: ۱۸)

نسخه ل و ص، ضبط «پیسند»، و نسخه ط، «مارند از لقا» آورده‌است. مؤلف سه دلیل برای ارجحیت ضبط نسخه مج آورده که هر سه بی‌اساس‌اند. دلیل اول اینکه شاعر، خصمان را به «تیس» مانند کرده. وی نوشته: «خصمان را به تیس مانند می‌کند که ظاهر و لقایی به ظاهر نیکو دارند» (مهدوی فر، ۱۳۹۱: ۲۹۳). مؤلف دلیل قانع‌کننده‌ای نمی‌آورد. وی به زیبایی

ظاهری تیس اشاره کرده، تیس به صفت زشتی یا زیبایی در ادبیات فارسی شناخته شده نیست، اما پیس و برص مایه زشتی پوست می‌شود و شاعر دشمنان خود را در زشتی به مبتلایان به این بیماری پوستی مانند و بدین شکل قرینه‌سازی کرده. در مصراع اول در صفت و باطن زشت‌اند و در مصراع دوم در ظاهر. براین اساس اصل قرینگی نیز در بیت رعایت می‌شود؛ زشتی صفت (درون) و زشتی لقا (ظاهر) قرینه‌اند. بیت با این ضبط، معنای مناسبی هم دارد. مؤلف، دلیل دوم را تناسب بین پوست و تیس می‌داند و اشاره می‌کند که پوست تیس را از راه سرش بیرون می‌آورند که این دلیل نیز نمی‌تواند قانع‌کننده باشد. دلیل سوم برای ترجیح «تیس» نیز شاهد مثالی از دیوان خود شاعر است:

چون ارقم از درون همه زهرند و از برون جز تیس رنگ‌رنگ و شکال شکن نیند

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۷۴)

در این بیت نیز، سجادی ضبط نسخه ل را که «پیس» است برگزیده و این ضبط ارجح است. مؤلف در اینجا نیز توجه نداشته که «تیس» به رنگارنگی شناخته نیست بلکه ضبط درست «پیس» است و «رنگ‌رنگ» اشاره به رنگارنگی پوست مبتلایان به این بیماری دارد. علاوه بر این، کلمه «پیس» می‌تواند نفاق و دورویی و عدم سنخیت ظاهر و باطن را نیز تداعی کند. براین اساس ضبط نسخه ل ارجح است. «پیس» در ادبیات فارسی پُرکاربرد است. سه نسخه ل، ص و پا پیس آورده‌اند و این عامل هم می‌تواند صحت ضبط «پیس» را قوت بخشد. همچنین براساس اصالت بدیعی در شعر خاقانی، پیس و پوست ارتباط بدیعی بیشتری نسبت به پیس و تیس دارند.

● گر آن کیخسرو ایران و تور است چرا بیژن شد این در چاه پلدا؟

(همان: ۲۴)

مؤلف، ضبط نسخه مج؛ «ایوان نور» را ترجیح داده، حال آنکه ضبط نسخه ل، «ایران و تور» است و سجادی نیز آن را برگزیده و این ارجح است. این قصیده در مدح عزالدوله قیصر است و شاعر که در بند خاقان اکبر ابوالمظفر جلال‌الدین اخستان منوچهر پسر خاقان اکبر بوده‌است، از عزالدوله عظیم‌الروم می‌خواهد که شفاعت وی را نزد پادشاه کند. مرجع ضمیر آن، ابوالمظفر جلال‌الدین اخستان است که شاعر در منشآت خود همیشه از او با القابی چون «دیهیم خدای ایران، اقلیم‌گشای توران» (خاقانی، ۱۳۴۹: ۱۴۴، ۶۲۲ و ۲۶۸) و «تاجدار ایران، ملک‌بخش توران» (همان: ۲۵۱) یاد کرده‌است. این بیت نیز اشاره به عنوان پادشاه دارد و این ضبط ارجح است. مرجع

ضمیر «این» خود شاعر است که گرفتار در چاه بیژن (زندان پادشاه) است. در ضبط نسخه ل اصالت بدیعی برجسته‌تر است و تناسب بین کیخسرو، ایران و توران مد نظر شاعر بوده‌است.

● سیاه‌خانه و عیدان سرخ بر دل من حریف رضوان بود و حدائق و اعناب
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۵۳)

در این بیت، مؤلف ضبط نسخه مج؛ «عیدان» را برگزیده و مجبور شده تفسیرهای دور و درازی بیاورد تا صحت آن را اثبات کند. وی «عیدان سرخ» را نگهبانان زندان دانسته که از خشم، چشمانشان سرخ شده. «رضوان» را نگهبان بهشت دانسته، حال آنکه با توجه به اصل قرینگی، از معیارهای نویافته مؤلف، رضوان در اینجا به معنای بهشت^(۱) است و با زندان (سیاه‌خانه) قرینه شده. نسخه ل، ضبط «سیاه‌خانه و عیدان سرخ دل بر من» آورده که ارجح است. عیدان در این بیت همان‌طور که کزازی نیز اشاره کرده، جمع عود و در معنای مطلق چوب است. کزازی (۱۳۸۶: ۱۱۶) در شرح بیت نوشته: «عیدان جمع عود است، به معنی چوب. عیدان سرخ، در بیت دور و ناساز می‌نماید. آیا خاقانی از آن، چوب‌های تفته و گداخته را خواسته‌است که سرخ‌فام شده‌اند؟ آیا او می‌توانسته‌است در زندان هیمه در آتش بسوزد؟ سیاه‌خانه را می‌توان کنایه از منقل و آتشدان نیز دانست که از دود، سیاه شده‌است. اگر چنین باشد، عیدان سرخ بسزا و در جای خویش به کار رفته‌است. اما سخن آشکارا از بند و زندان است. به هر روی خاقانی در این بیت بر آن است که رنج‌های بند و زندان را بی هیچ ناله و گلایه برمی‌تافته‌است و آنها در دل او، با بهره‌ها و شادی‌های بهشتی یکسان و همسنگ می‌نموده‌است». منظور از «عیدان سرخ‌دل» زغال‌هایی‌اند که سرخی (آتش) را در دل خود نهفته دارند و در زندان سرد پادشاه در ماه آبان^(۲) - که ماهی سرد است - سیاه‌خانه (زندانی) را گرم کرده‌اند. سیاه‌خانه تاریکی و سیاهی زندان نیز دودزدگی را بر اثر آتش تداعی می‌کند.

● مگذار کآتشی شده بر جان ما زند این هجر کافر تو که آفت‌رسان ماست
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۷۸)

ضبط نسخه مج «آتش سده» است که مؤلف این ضبط را ارجح دانسته. «آتش سده» در این ابیات از خاقانی آمده‌است:

ز آن مشک ریز شاخ چلیپا چه خواستی (همان: ۵۳۵)	گیرم که آتش سده در جان ما زدی
من کشته آن صلیب عنبربویست آتش دل من باد و چلیپا مویست (همان: ۷۰۵)	زنار خطی عید مسیحا رویت آن شب که شب سده بود در کویت

با اینکه «آتش سده» در شعر خاقانی آمده ولی در بیت، منطبق با معنای بیت «آتشی شده» درست است. فضای معنایی این ضبط را تأیید می‌کند؛ هجر و فراق تو اکنون نیز آفت‌رسان ماست، اجازه نده که آتشی شده (به آتشی بدل شده) و جان ما را بسوزاند و نابود سازد.

● ها و ها باشد اگر محمل من سازی و هم برسانیم به کم زانکه ز من ها شنوند
(همان: ۱۰۳)

مؤلف ضبط نسخهٔ مج؛ «وهم» (با فتحهٔ اول و سکون دوم) را براساس اصالت تصویری برگزیده‌است، حال آنکه ابیات قبلی ضبط نسخهٔ ل، «و هم» (با فتحهٔ اول و دوم) را تأیید می‌کند. در ابیات قبلی سخن از تأخیر در رسیدن به حج است:

حاش‌لله اگر امسال ز حج وامانم نز قصور من و تقصیر تو حاشا شنوند
دوستان یافته میقات و شده زی عرفات من بگید و ز من آوازه به بطحا شنوند
(همان: ۱۰۲)

«ساختن» اینجا به معنای آماده کردن است. محمل را آماده کنی و با شتاب مرا به جایی برسانی که صدای «ها» از من نشنوی. «ها» می‌تواند صدایی باشد برای راندن شتر و چهارپایان و نشانهٔ شتاب در رسیدن به مقصد.

دست و بازوش از پی قصر مخالف سوختن ز آتشین پیکان شررها قصرسان افشاندانند
(همان: ۱۰۹)

نسخهٔ مجلس «آتش پیکان» ضبط کرده و مهدوی فر نیز براساس اصالت تصویری این ضبط را راجح دانسته‌است، حال آنکه در ضبط «آتشین پیکان» اغراق بیشتر است. آتشین پیکان یا پیکان آتشین نوعی پیکان بوده و در ابیات دیگری از خاقانی نیز آمده:

آه من سازد آتشین پیکان تا در این دیو گوهر اندازد
(همان: ۱۲۳)
پیکان شهاب رنگت از آب آتش زده دیو لشکران را
(همان: ۳۴)

همهٔ نسخه‌ها «آتشین پیکان» ضبط کرده‌اند و این نیز یکی از دلایل رجحان آن است. علاوه بر این آتشین و پیکان، تناسب موسیقایی بیشتری نسبت به آتش و پیکان دارند.

● کلک آن رکن چون مهندس عقل پنج ارکان شرع را معمار
(همان: ۱۸۱)

در این بیت مؤلف ضبط نسخه مجلس «مهندس عدل» را براساس اصالت تصویری ارجح دانسته است، حال آنکه بین «مهندس عقل»؛ نسخه ل و «مهندس عدل» در اصالت تصویری تفاوتی نیست. علاوه بر این، عقل بیشتر به مهندسی در ادبیات شهره است. عقل و شرع با توجه به اصالت بدیعی (مراعات‌النظیر) ارجح است. شاعر اشاره‌ای به عدم ضدیت عقل و شرع دارد که در حدیث «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل» (موسوی سبزواری، ۱۳۷۶: ۱۴۵) آمده است.

- دولت از خادم و زن چون طلبم
- کاملم میل به نقصان چه کنم؟
- پیش تند استر ناقص چو شغال
- شغل سگساری و دستان چه کنم؟
- (خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۵۳)

نسخه مج به جای تند استر، «بید استر» و به جای «شغال»، «سفال» ضبط کرده و مهدوی فر این ضبط را پسندیده و با ذکر دلایلی سعی کرده ارجحیت آن را تبیین کند. ضبط کلمه، در نسخه‌های ل، ص، پا و ط، «تند استر» است و براین اساس «تند استر» می‌تواند ارجح باشد. ناقصی «استر» به دلیل ناتوانی در زادن است. استر به تندی و تیزروی نیز مشهور بوده:

- تو چه دانی که بود آن خرک لنگت
- که همی بر اثر استر او رانی
- (ناصر خسرو، نقل از دهخدا، ذیل استر)

اصالت بدیعی نیز تند استر را تأیید می‌کند. شاعر بین استر، شغال و سگ تناسب و مراعات‌النظیر خلق کرده.

- بسی زانیانند دور فلک را
- ازین دیر دارالزنا می‌گریزم
- (خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۹۱)

مؤلف، ضبط نسخه مجلس؛ «دیر فلک» را ترجیح داده و دلیل آن را اصالت تصویری این ضبط دانسته است. «دور فلک» تعبیری رایج در ادبیات فارسی است و «دیر فلک» غریب و ناآشنا. علاوه بر این تکرار «دیر» مخلّ فصاحت است. اصالت بدیعی بیت «دور فلک» را تأیید می‌کند چون بین کلمات «دور، دیر و دار» جناس شبه‌اشتقاق است.

- خلفند و نوخلاف و شیاطین انس را
- ننگند و هم ز ننگ نسوزد شهابشان
- (همان: ۳۲۸)

نسخه مجلس، ضبط «بوخلاف» را آورده که مهدوی فر آن را برگزیده و در این مورد نوشته: «براساس اصالت بدیعی و لفظی، ضبط اصیل خواهد بود زیرا میان خلف و بوخلاف جناس شبه‌اشتقاق است» (مهدوی فر، ۱۳۹۱: ۳۰۰). اگر علت انتخاب این ضبط، جناس شبه‌اشتقاق است،

این جناس بین خلف و نوخلاف هم هست. دلیل برتری ضبط «نوخلاف» بر «بوخلاف» این است که خلف و جانشین، تازه‌کار در امر خلاف‌اند و با این تازه‌کاری و ناشی بودن خود مایه ننگ شیاطین انس‌اند. تعبیر «نوخلاف» تعبیری شبیه نوخلف، نوباز، نوقدم و نوکیسه است و اسم‌های مرکب با صفت «نو» در شعر خاقانی بسیار است:

از رحم عروس بخت، این حرم حلال را	نوخلفان فتح بین، وارث مُلک پروری
	(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۲۳)
نوبازان را به بازی حق	رخ طرح نهاد و هشت بی‌دق
	(همو، ۲۵۳۷: ۱۳۸)
آن خلعه که فضل او نگارد	هر نوقدمی قدش ندارد
	(همان: ۶۴، ۶۶)

و آن بکر فلک از فلک گوژپشت روی برتافت و وام جهان کهن بازار نوکیسه باز داد (همو، ۱۳۴۹: ۲۰۸).

● ای مالک سعیر بر این راندگان خلد زحمت مکن، که زحمت من به عذابشان
(همو، ۱۳۸۲: ۳۳۰)

نسخهٔ میج مصرع دوم را «زحمت بکن، که زحمت من بس عذابشان» ضبط کرده و مهدوی‌فر نیز این ضبط را برگزیده‌است. حال آنکه ضبط نسخهٔ ل ارجحیت دارد چون ظرافت هنری و طنز در آن نهفته است. زحمت کردن (بر کسی) به معنای «مزاحمت کردن او را. کشمکش کردن و گلاویز شدن» (دهخدا، ذیل زحمت کردن). معنای بیت چنین است: ای مالک سعیر بر این راندگان خلد، مزاحمتی ایجاد نکن تا هرچه زودتر در آتش دوزخ وارد شوند.

● سرسام جهل دارند این خرجبَلتان وز مطبخ مسیح نیاید جوابشان
(همان: ۳۲۹)

مؤلف در مورد ضبط نسخهٔ مجلس نوشته: «در نسخهٔ مجلس «نباید» آمده‌است که به نظر می‌رسد ضبط اصیل باشد، زیرا در طب قدیم نور و روشنی را برای بیماران سرسامی مضر می‌دانستند، و مطبخ مسیح نیز اشاره به خورشید دارد که در اندیشهٔ خاقانی با پرتو گرمی بخش جانداروی علت‌هاست:

ای مه‌ر ده‌مان روزه‌داران	جانداروی علت بهاران»
	(مهدوی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۰۰)

از سوی دیگر جواب از داروهای معالج سرسام (سرسام سرد) است: «غذایش از قبیل آب لوبیا گرگی، نخودآب، آبجو پوست‌کنده جوشیده باشد» (ابن سینا، ۱۳۸۵، ج ۳: ۹۵ و ۹۶). البته مسیح اینجا در معنای «طیب» به کار رفته. اصالت بدیعی ارتباط بین سرسام، مسیح (طیب)، جواب «نیاید» را که ضبط نسخه ل است تأیید می‌کند. علاوه بر این، معنای بیت نیز ضبط «نیاید» را تأیید می‌کند. این خرجبلتان، سرسام دارند و برای درمان هم اقدامی نمی‌شود و طیب جوابی برایشان نمی‌فرستد و به خاطر این، در جهل خود تا ابد ماندگارند.

ترا سرسام جهل است و سخن بیهوده می‌گویی حکیمی نیست حاذق تا که درمانی کند در وقت
(سلمان ساوجی، نقل از دهخدا، ذیل سرسام)

● خشت گل زیر سر و پی سپر آید به مرگ گر به خشت و به سپر میر کیاید همه
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۱۰)

نسخه مجلس، «میر و کیاید» ضبط کرده و مؤلف با تأکید بر اصل قرینگی و بدیعی این ضبط را برگزیده‌است. توضیح مؤلف در باب گزینش این ضبط چنین است: «... لف و نشری در بیت است که با «میرکیا» از بین می‌رود. خشت با کیا نسبت دارد و سپر با میر» (مهدوی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۰۴). مؤلف مشخص نکرده چه تناسبی بین خشت و کیا و سپر و میر هست. بین این دو نسبتی نمی‌توان یافت و براین اساس اصل بدیعی در این بیت نمی‌تواند معیاری برای گزینش ضبط مؤلف مقاله باشد. «میرکیاید» ترکیبی شبیه «میر میران»، «امیرالامرا»، «قهرمان قهرمانان» و «بیگلریگی» است. یعنی اگر در جنگاوری و خشت‌اندازی و استفاده از سپر، یگانه لشکر و سرآمد همگان باشید، سرانجام گرفتار پنجه تقدیرید و از مرگ گریزی نیست.

● مسکین تن شمع از دل ناپاک بسوخت زرین تنش از دل سیه، پاک بسوخت
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۷۰۵)

نسخه مجلس «شبه‌ناک» آورده و مؤلف این ضبط را برگزیده و درباره «شبه» نوشته: «و به آتش مشتعل شود چون شمع و به غایت بسوزد چون نطف و غیر آن» (جوهری نیشابوری، نقل از مهدوی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۰۴). وی در پی توجیه انتخاب خود برآمده، ولی به ارتباط شبه و شمع اشاره‌ای نکرده. براساس اصالت تصویری دل سیاه شمع ارجحیت دارد، چراکه استعاره از فتیله شمع است که خود می‌سوزد و تن شمع را نیز می‌سوزاند. علاوه بر این مؤلف که اصل بدیعی و لفظی را اصلی غالب در شعر خاقانی دانسته، توجه نکرده که پاک و ناپاک تضاد دارند و این نیز دلیل دیگری در ارجحیت ضبط نسخه ل و انتخاب سجادی در تصحیح دیوان خاقانی است.

● هر دلی را که کبودی ز لب لعل تو خاست
خانقاهش به جز از زلف خم‌اندرخم نیست
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۵۶۲)

نسخهٔ مجلس «خانگاه» ضبط کرده و مؤلف مقاله این ضبط را ارجح دانسته و در این مورد نوشته: «آشکار است که خانگاه در نسخه‌های متأخر به صورت معرب آن یعنی خانقاه تبدیل شده است، این صورت اصیل هم در ختم‌الغرایب و هم در منشآت چندبار به کار رفته‌است» (مهدوی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۰۵). این نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای کاربرد این کلمه در دیوان خاقانی به این شکل باشد چراکه نسخه‌های قدیمی دیوان خاقانی «خانقاه» ضبط کرده‌اند. علاوه‌براین اگر به کاربرد این کلمه در متون نظم و نثر فارسی در دورهٔ خاقانی نظری داشته باشیم، روشن می‌شود که این کلمه بیشتر به صورت «خانقاه» کاربرد داشته‌است و پیش از خاقانی در شعر سنایی به این شکل ضبط شده‌است:

خانقاه آشیان مرغمان صفاست گلشن عیش و بوستان وفاست
صوفیان خاصگی درگاهند خرجه پوشان صبغه الله‌اند
(سنایی، ۱۳۸۱: ۴۷۳)

در کتب صوفیهٔ عصر شاعر و قبل از آن نیز به همین شکل کاربرد داشته. براین‌اساس انتخاب یکی از اشکال خانقاه و اثبات کهنگی و اصالت نسخه از این طریق درست نخواهد بود. کلمه‌ای دیگر در دیوان خاقانی که مؤلف مقاله سعی کرده ضبط قدیمی آن را با تکیه بر نسخهٔ مجلس وارد تصحیح شعر خاقانی کند و قدمت و دقت نسخهٔ مجلس را نیز تأیید کند، «آبره» است در بیت زیر:

● حال مقلوب شد که بر تن دهر آبره کرباس و دیبه آستر است
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۶۶)

مؤلف ضبط «آوره» را آورده که کاربردی قدیمی‌تر دارد و این قدمت کاربرد را علت صحت این ضبط دانسته. با توجه به اینکه اکثر نسخه‌های خاقانی و نسخهٔ ل «آبره» آورده‌اند ضبط «آبره» بر «آوره» ارجح است. در این بیت‌ها نیز اختلافی بین نسخه‌ها در کاربرد «آبره» نیست:

بروی زال و بسرخاب پنبه و آبره بحیز و خشنی، این زال گشته آن سرخاب
(همان: ۵۰)

آبره آفتاب اگر زرد است چون شفق سرخ دارد آستر او
(همان: ۷۹۷)

و عدم اختلاف نسخ در این بیت‌ها دلیلی بر صحت ضبط «آبره» در دیوان خاقانی است.

با توجه به این موارد، اگرچه معیارهای نویافته مؤلف می‌تواند معیارهایی علمی در تصحیح دیوان خاقانی و راهگشای مصححان در تصحیح علمی و انتقادی دیوان خاقانی باشد، ولی این ویژگی‌ها در بسیاری موارد در ضبط‌های نسخه مجلس رعایت نشده تا به استناد آن، اصالت نسخه مجلس اثبات گردد، پس می‌توان در سخن مؤلف درباره اصالت نسخه مجلس تردید کرد و آن را فاقد مبنای علمی دانست. این مهم، با بررسی و تجزیه و تحلیل ابیاتی از دیوان خاقانی قابل اثبات است. حتی مؤلف در مقاله‌ای با عنوان «تأملی در دیوان خاقانی ویراسته میرجلال‌الدین کزازی براساس معیارهای نویافته»، در پاره‌ای موارد سخن خود را در باب اصالت نسخه مجلس براساس معیارهای سه‌گانه نقض کرده‌است. او در این مقاله، با تکیه بر معیارهای مذکور ضبط‌های نسخه ل را ارجح دانسته. در بیت زیر، مؤلف ضبط نسخه ل، «عروس دهر» را پسندیده و ضبط نسخه مج؛ «غرور دهر» را براساس اصالت تصویری رد کرده‌است:

● غرور دهر و سرور جهان نخواست از آنک
نداشت از غم امت به این و آن پروا
(کزازی، ۱۳۷۵: ۲۱)

او در ترجیح ضبط نسخه ل نوشته: «این ضبط از سویی براساس اصالت تصویری مرجح است، بدان سبب که تشبیه بلیغ اضافی است، درحالی‌که «غرور دهر» اساساً تصویری نیست و خاقانی سخت تصویرگرا آن را نخواهد پسندید» (مهدوی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۳).

● علی دلی که به ملک یزیدیان قلمش
همان کند که به دین ذوالفقار نصرت یاب
(کزازی، ۱۳۷۵: ۷۴)

سجادی «علی ید» را که ضبط نسخه ل است برگزیده و مهدوی‌فر نیز در مقاله خود همان را ارجح دانسته و ضبط نسخه مج را با توجه به معیارهای خود نپسندیده. وی در صحت ضبط نسخه ل نوشته: «براساس اصالت تصویری و تناسب موجود در بیت، «علی ید» ضبط مرجح است، زیرا ممدوح به علی (ع) و قلم او به ذوالفقار مانند شده و روشن است که قلم و ذوالفقار با دست در تناسب هستند نه با دل» (مهدوی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۹). در نسخه‌های مج، پا و ط ضبط «علی دل» و در نسخه ل «علی ید» است. براین‌اساس، نظر مؤلف که اصالت نسخه مج را با توجه به همین اصالت تصویری اثبات کرده بود رد می‌شود.

● تا دهان روزه‌داران داشت مهر از آفتاب
سایه‌پروردان خم را مهر بر در ساختند
(کزازی، ۱۳۷۵: ۱۷۶)

ضبط نسخه ل، «مهر آفتاب» است که مهدوی فر (۱۳۹۲: ۲۶) این ضبط را پسندیده و ضبط نسخه مج را رد کرده و در این زمینه نوشته: «... در نسخه بدل سجادی، دو نسخه نسخه‌های ل و ص [«مهر آفتاب» آورده‌اند که براساس اصالت تصویری مرجح به نظر می‌رسد، زیرا تشبیه در ساختاری قوی‌تر و با غنای تخیلی بیشتری عرضه شده‌است».

نیز وی در بیت زیر با توجه به اصالت بدیعی ضبط نسخه ل؛ «خندانت» را ارجح دانسته‌است:

● اگر پیری که مردن چرا بینند خندانت؟ که طفل آنک که زادن همی بیند گریانش
(کزازی، ۱۳۷۵: ۳۲۱)

حال آنکه ضبط نسخه مج «تالانت» بوده‌است. مهدوی فر (۱۳۹۲: ۳۴) نوشته: «متن کزازی و عبدالرسولی فاسد است، به دلیل اصالت لفظی و بدیعی و اصالت قرینگی ضبط باید خندانت باشد، تا با گریان تضاد بسازد، تضاد ترکیبی و زنجیرهای بیت مورد تعدد شاعر بوده‌است». علاوه بر مواردی که مؤلف آورده و دلیل بر عدم اصالت نسخه مج با تکیه بر معیارهای سه‌گانه است، می‌توان نمونه‌های دیگری نیز در ضبط‌های این نسخه یافت که معیارهای مؤلف در آن رعایت نشده‌است. در بیت زیر، در نسخه مج، بی‌توجه به اصالت بدیعی؛ تضاد بین راست و کوژ واژه «کور» ضبط شده که درست نیست.

من همی در هند معنی راست همچون آدمم وین خران در چین صورت کوژ چون مردم‌گیاه
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۸)

در این مورد نیز ضبط نسخه ل؛ «کوژ» ارجح است.

● بوقلمون شد بهار از قلم صبح و شام راند مثالی بدیع ساخت طلسمی عجاب
(همان: ۴۷)

نسخه مج بی‌توجه به اصالت تصویری ضبط «بوقلمون بهار»، «بوقلمون شد بهار» ضبط کرده و بدین‌شکل معیار مؤلف، که آن را اصلی ثابت در نسخه مج دانسته رعایت نشده. نیز ضبط «بوقلمون شد بهار» از لحاظ دستوری و معنایی نیز اشکال دارد چون «بوقلمون بهار» مسند است و این بوقلمون بهار است که مثالی بدیع رانده و طلسمی عجاب ساخته‌است.

● آسمان کو ز کبودی به کبوتر ماند بر در کعبه معلق‌زن و دروا بینند
(همان: ۹۸)

در این بیت نیز نسخهٔ مج «محلّق زن» آورده و به تناسب بین کبوتر و معلق‌زدن (چرخ زدن) توجهی نشده، حال آنکه خاقانی در بیتی دیگر نیز صفت معلق‌زن و چرخ‌زن را برای کبوتر آورده‌است:

در وجد و حال همچو حمام است چرخ‌زن بر دیده نام عشق رقم کرده چون حمام
(همان: ۳۰۱)

● بر فلک شو ز تیغ صبح مترس که نترسد ز تیغ و سر عیار
(همان: ۱۹۶)

نسخهٔ «مج» بی توجه به اصالت تصویری «تیغ صبح»، ضبط «تیغ و صبح» را آورده که نادرست است. «تیغ صبح» استعاره از خورشید و پرتوهای خورشید است که در ابیات دیگر شاعر نیز تکرار شده‌است:

حرز عقل است مرهم دل ریش تیغ روز است صیقل شب تار
(همان: ۱۹۷)

سحرگهی که بلان تیغ برکشند چو صبح بعزم رزم کنند از برای کینه ساق
(همان: ۲۳۵)

«شاهباز خرد» در بیت زیر که ضبط نسخهٔ ل است با توجه به اصالت تصویری ارجح است. حال آنکه نسخهٔ مج، «شاهباز خورد» آورده که در تناقض با معیار مهدوی فر است.

● هم ز می دان که شاهباز خرد کبک زهره شود بسیرت سار
(همان: ۱۹۸)

در بیت زیر نیز نسخهٔ مج بی توجه به تضاد بین سر و سم، ضبط «سر آهوان» را برگزیده‌است. این ضبط علاوه بر بی‌دقتی در اصالت بدیعی، از لحاظ معنایی نیز صحیح نیست چون سم آهوان شکافته است نه سر آهوان.

● چون تیغ زند سر پلنگان همچون سم آهوان شکافد
(همان: ۵۱۲)

نعش و پرن در ادبیات فارسی نشانهٔ پراکندگی و جمعیت‌اند و «در اعتقاد عامه پروین نمودار جمعیت به خلاف دب اکبر که نشانهٔ تفرقه است. نگریستن به پروین موجد جمعیت خاطره و نظارهٔ هفت‌اورنگ (دب اکبر) سبب تفرقه و پریشانی فکری و کم‌شدن قوای بدنی تصوّر می‌شده‌است.» (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۰۴). در دیوان اشعار اکثر شاعران ادب فارسی نمونه‌هایی با این ویژگی هست. خاقانی خود در بیتی سروده‌است:

نثر تو نعش و ثریا نظم تست هدیه نعشی و ثریایی فرست
(همان: ۸۲۶)

با اینکه نعلش و پرن با این ویژگی در نظم و نثر فارسی به کرات تکرار شده، نسخهٔ مج در بیت زیر از خاقانی با بی‌دقتی ضبط «نیش و پرن» را انتخاب کرده که هم از لحاظ بدیعی و هم معنایی نادرست است.

در نعلش و پرن زنند طعنه نظم تو و نثرت ای خداوند
(همان: ۷۷۳)

با توجه به این موارد می‌توان گفت نظر مهدوی‌فر (۱۳۹۱: ۳۰۸)؛ «نداشتن معیارها و هنجارهای علمی و اصیل در تصحیح سجادی سبب شده‌است تا نسخه‌ای نامعتبر به دلیل قدمتی - که ظاهراً باید در اصالت آن نیز شک کرد- اساس قرار گیرد و بدین جهت ضبط‌های فاسدی وارد متن شود. نگارندهٔ این سطور با به‌کارگیری معیارهای نویافته و علمی برگرفته از طریق غریب خاقانی نشان داد که میان نسخه‌های خطی مورد استفاده ایشان، نسخهٔ مجلس از اعتبار بیشتری برخوردار است» (مهدوی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۰۸) خالی از اشکال نیست، چراکه موارد ذکر شده به روشنی نشان می‌دهد که معیارهای علمی مؤلف در نسخهٔ مجلس تمام و کمال وجود ندارد و حتی در مواردی عکس آن اثبات می‌شود که این خود از اصالت و دقت این نسخه می‌کاهد.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تجزیه و تحلیل تصحیحات مهدوی‌فر در مقالهٔ «تأملی در نسخهٔ دیوان خاقانی کتابخانهٔ مجلس» با تکیه بر نسخهٔ مجلس و براساس چند معیار نویافته؛ اصالت تصویری، اصالت بدیعی و اصل قرینگی، روشن می‌شود که این تصحیحات دقیق و سنجیده نیست و مبنای علمی ندارد. در بسیاری موارد این تصحیحات در تناقض با معیارهای نویافتهٔ مؤلفانند و انتخاب ضبط‌های نسخهٔ «مجلس» با بی‌دقتی قرین بوده. نتیجهٔ بررسی، علاوه بر تبیین ایرادات مؤلف در این تصحیحات، روشن کرد که این معیارهای نویافته در نسخهٔ لندن، قدیمی‌ترین نسخهٔ موجود از دیوان خاقانی، قابل انطباق است، و مهدوی‌فر با جعلی خواندن این نسخه و عدم اعتماد به اصالت و اعتبار آن به خطا رفته و سجادی بحق و عالمانه این نسخه را در تصحیح دیوان خاقانی، نسخهٔ اساس قرار داده. دقت و تأمل در ضبط‌های این نسخه می‌توانست مهدوی‌فر را در انتخاب ضبط دقیق و درست و تشخیص نسخهٔ اصل دیوان خاقانی با توجه به معیارهای نویافتهٔ علمی از دیوان یاری دهد.

پی‌نوشت

۱. ابیاتی از دیوان خاقانی که رضوان در معنای بهشت به کار رفته است:
برکنم شمع و وفا را به خراسان طلبم کان کلید در رضوان به خراسان یابم (خاقانی)
عیسی‌ام منظر من بام چهارم فلک است که به هشتم در رضوان شدنم نگذارند (خاقانی)
۲. بیت قبلی: ز بند شاه ندارم گله معاذالله اگرچه آب مه من ببرد در مه آب (خاقانی، ۱۳۸۲: ۵۳)

منابع

- ابن سینا، ح. ۱۳۸۵. قانون. ترجمه ع شرفکندی. تهران: سروش.
- اصغری بایقوت، ی. ۱۳۹۵. «ضرورت توجه به تصحیح اشعار عربی خاقانی». *متن‌شناسی ادب فارسی*. ۸ (۳۲): ۲۹-۴۲.
- پارسا، س. ۱۳۸۶. «تصحیح دو تصحیح در دیوان خاقانی». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان*. (۲۱): ۱-۱۵.
- ترکی، م. ۱۳۹۳. «یک ممدوح ناشناخته خاقانی و نکته‌ای مهم درباره نسخه لندن». *ادب فارسی*. (۲): ۴۱-۶۰.
- حاجیان نژاد، ع. ۱۳۸۵. «دیده آهوی دشت». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ۵۷ (۱۷۸): ۹۷-۱۱۶.
- خاقانی، ا. ۲۵۳۷. *مثنوی تحفه‌العراقین*. به اهتمام و تصحیح ی. قریب. تهران: امیرکبیر.
- _____ . ۱۳۴۹. *منشآت*. تصحیح و تحشیه م روشن. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ . ۱۳۷۵. *دیوان*. ویراسته م کزازی. تهران: مرکز.
- _____ . ۱۳۸۲. *دیوان*. به کوشش و تصحیح ض سجادی. تهران: زوار.
- دهخدا، ع. ۱۳۷۷. *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- رامندی، ه و ن چک‌نژادیان. ۱۳۹۳. «بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیة خاقانی». *بهار ادب*. ۷ (۲۴): ۳۰۶-۳۲۲.
- سنایی، م. ۱۳۸۱. *دیوان*. به کوشش ب فروزانفر. تهران: آزادمهر.
- سیف، ع و م منصوری. ۱۳۸۹. «تصحیح و تحلیل چند تصحیح در شعر خاقانی». *گوهر گویا*. ۴ (۱): ۲۳-۴۶.
- کزازی، م. ۱۳۸۶. *گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی*. تهران: مرکز.
- گیتی فروز، ع. ۱۳۹۵. «تأملی در مفهوم دوگروهی و گروه در شعر خاقانی». *متن‌شناسی ادب فارسی*. ۸ (۳۲): ۹۳-۹۸.

- مصطفی، ا. ۱۳۵۷. فرهنگ اصطلاحات نجومی. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
 موسوی سبزواری، ع. ۱۳۷۶. تهذیب الاصول. قم: مؤسسه المنار.
 مهدوی فر، س. ۱۳۹۲. «تأملی در دیوان خاقانی ویراسته میرجلال‌الدین کزازی براساس معیارهای
 نویافته». آینه میراث. ضمیمه ۲۹: ۷-۵۷.
 _____ . ۱۳۹۱. «تأملی در نسخه دیوان خاقانی کتابخانه مجلس». پیام بهارستان. ۵ (۱۷):
 ۲۸۹-۳۱۳.
 _____ . ۱۳۹۱ «اصالت تصویری مهم‌ترین معیار در تصحیح دیوان خاقانی». شعرپژوهی
 (بوستان ادب). ۴ (۱۱): ۱۹۶-۱۷۵.